



تقریر درس خارج فقه الصلاة آیت الله اراکی دامت برکاته

مقرر	حجت الاسلام	قادر بریسم	جلسه	۲۸	تاریخ	۱۴۰۴ / ۱۱ / ۲۱
عنوان ۱	مواقیت الصلاة					
عنوان ۲	وقت نماز صبح					
عنوان ۳	تبیین وقت نماز صبح و بررسی فجر صادق و کاذب ❖ اقوال فقها در باب ابتدای وقت صبح ❖ پایان وقت نماز صبح و حکم لبالی مقمره ❖ پاسخ به شبهات و مسائل مستحدثه (مناطق قطبی) ❖ بررسی روایات باب					
عنوان ۴	توصیه های اخلاقی و اعمال ماه مبارک رمضان					

الحمد لله رب العالمین و صلی الله علی سیدنا محمد و آله الطیبین الطاهرین

چکیده

این جلسه پیرامون «مواقیت صلاة» با محوریت تعیین وقت نماز صبح است. در بخش نخست، ضمن بررسی اقوال فقها و مستندات روایی، تمایز میان «فجر صادق» (سپیده افقی) و «فجر کاذب» (نور عمودی) تبیین شده و فجر صادق به عنوان معیار آغاز وقت نماز معرفی می گردد. در ادامه، مباحثی پیرامون انتهای وقت نماز صبح (طلوع شمس یا حمرة مشرقیه)، حکم نماز در «لیالی مقمره» (شب های مهتابی) و چگونگی محاسبه اوقات شرعی در مناطق قطبی مطرح و با استناد به روایات، پاسخ داده می شود. بخش دوم گفتار، به توصیه های اخلاقی و عملی ویژه ماه مبارک رمضان اختصاص دارد؛ که در آن بر اهمیت ادای نوافل هزار رکعتی این ماه و لزوم استمرار فعالیت های علمی و مراجعه مستمر به جوامع روایی، به ویژه «بحار الأنوار» و «وسائل الشیعه» تأکید شده است.

تبیین وقت نماز صبح و بررسی فجر صادق و کاذب

بحث ما در وقت نماز مغرب و عشا به پایان رسید و پیش از آن نیز در باب وقت ظهر و عصر سخن گفته بودیم. آنچه از مباحث مواقیت باقی مانده، بحث پیرامون مواقیت فرائض و صلاة فريضة است. در این مقام بایسته است که درباره وقت نماز صبح «صلاة الفجر» گفت و گو کنیم.

اقوال فقها در باب ابتدای وقت صبح

محقق در «شرائع» می‌فرماید:

«وما بین طلوع الفجر الثاني المستطير في الأفق إلى طلوع الشمس وقت للصبح»^۱؛

یعنی وقت نماز صبح، میان طلوع فجر است تا طلوع خورشید؛ منتها مراد از «فجر»، همان فجر صادق است؛ بدین معنا که همان سپیده‌ای که بر افق گسترده می‌شود، ملاک است و این در مقابل سپیده‌ای قرار دارد که پیش از این سپیده پدیدار می‌گردد و بسان نوری است که به صورت خطی عمودی به سمت آسمان می‌رود. این نور عمودی ملاک صبح نیست؛ بلکه ملاک طلوع فجر، همان نور افقی است که در دامنه افق حضور می‌یابد.

مرحوم صاحب «عروه» نیز در عبارتی نزدیک به این مضمون می‌فرماید:

«وما بین طلوع الفجر الصادق إلى طلوع الشمس وقت للصبح»^۲.

این مطلب که آغاز وقت فجر و زمان صلاة الفجر، فجر صادق و همان سپیده افقی است، امری مسلم است و جای بحث چندانی ندارد و روایات صریح و شاید آیه کریمه نیز کفایت کند که می‌فرماید:

﴿...وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ...﴾^۳؛

و بخورید و بیاشامید، تا رشته سپید صبح، از رشته سیاه [شب] برای شما آشکار گردد.

که «خیط» نشان‌دهنده همین سپیده افقی است و می‌فرماید: در شب‌های ماه مبارک رمضان می‌توانید بخورید و بیاشامید تا هنگامی که این خیط ابیض از خیط اسود جدا گردد؛ یعنی همان سپیده گسترده افقی در افق پدیدار شود. لذا اصل این معنا جای بحث چندانی ندارد؛ اما دو بحث در اینجا شکل می‌گیرد:

پایان وقت نماز صبح و حکم لیالی مقمره

۱. آیا انتهای وقت نماز صبح «سواء للمضطر ولغير المضطر» یکی است؟ بدین معنا که آیا پایان وقت نماز صبح، هم

برای مضطر و هم برای غیرمضطر (شخص عادی) همان طلوع شمس است؟

در میان برخی از فقهای شیعه از قدما، قولی وجود دارد که معتقد است پس از پدیدار شدن شعاع شمس، وقت نماز صبح برای غیرمضطر به پایان رسیده است. ما یک سپیده داریم که طلوع می‌کند و وقت اول نماز صبح است، ولی پیش از طلوع خود خورشید، شعاع آن در افق ظاهر می‌شود؛ یعنی آن نوری که پیش از بیرون آمدن قرص خورشید، پهنه آسمان را پر می‌کند. برخی از فقهای ما بر این باورند که اگر شعاع خورشید پیدا شد، وقت نماز صبح برای غیرمضطر به پایان رسیده است و کسی که بیدار است و عذری ندارد، باید پیش از این زمان نمازش را بخواند؛ اما اگر به خواب رفت، تا وقتی که شعاع شمس بیرون آید، می‌تواند نمازش را از آن هنگام تا طلوع شمس هم به قصد ادا به جا آورد.

۱. شرائع الإسلام فی مسائل الحلال والحرام؛ ج ۱، ص ۵۱.

۲. العروة الوثقی؛ ج ۱، ص ۵۱۷.

۳. سورة بقره: ۱۸۷.

۲. تکلیف ما در «لیالی مقمره» (شب‌های مهتابی) چیست؟ شب‌های مهتابی بسان شب‌های عادی نیست و انسان سپیده را کمی دیرتر می‌بیند و گاهی نور مهتاب مانع از آن می‌شود که شخص، سپیده گسترده در افق را در وقت خود ببیند؛ از این رو کمی دیرتر مشاهده می‌کند. در لیالی مقمره چه باید کرد؟ آیا باید صبر کنیم و در هنگام طلوع فجر تأخیری اندازیم تا غلبه نور سپیده بر نور مهتاب محرز گردد؟

برای یافتن پاسخ بدین پرسش باید روایات را بررسی کنیم؛ ولی ما نوشته‌ایم که: «المشهور أنَّ وقت صلاة الفجر يبدأ بطلوع الفجر الصادق وينتهي بطلوع الشمس»؛ این نظر مشهور است. اما مقصود از طلوع فجر صادق چیست؟ «والمقصود من الفجر الصادق هو البياض المعترض في الأفق المتعقب للبياض المستطير عمودياً إلى جهة السماء. وذهب الشيخ وابن حمزة وابن أبي عقيل إلى أنَّ ما بين طلوع الفجر الثاني حتى طلوع الحمرة في المشرق وقت صلاة الفجر للمختار ومن طلوع الحمرة إلى طلوع الشمس مختص بالمضطر». شیخ، ابن حمزه و ابن ابی عقیل که از فقهای وزین ما هستند، وقت مختار را به ماقبل از طلوع آن حمرة مشرقیه اختصاص داده‌اند.

شایان ذکر است که این حمره با حمره‌ای که در نماز مغرب درباره‌اش سخن گفتیم تفاوت دارد و آن تفاوت این است که تا زمانی که این حمره‌ای که شعاعش آسمان را پر می‌کند پیدا نشده، وقت مختار است؛ اما هنگامی که این حمره پدیدار گشت، وقت به مضطر اختصاص می‌یابد.

پاسخ به شبهات و مسائل مستحدثه (مناطق قطبی)

در این زمینه دو دسته روایات داریم:

- روایاتی که دلالت می‌کند وقت طلوع فجر، همان طلوع آن سپیده افقی است.
- روایاتی که پایان وقت نماز صبح را طلوع شمس می‌داند، نه شعاعی که پهنه افق را به رنگ قرمز (و شاید نارنجی) درمی‌آورد.

پرسشگر: در مناطق قطبی که خورشید در طول شش ماه ثابت است، وضعیت چگونه است؟

استاد: سؤال شما به جا و مطلوب است. به هر حال در همان مناطق نیز خورشید حرکتی می‌کند و جابه‌جا می‌شود و ثابت نیست. حتی اگر به مدت شش ماه روز باشد، خورشید بر سر جای خود نمی‌ماند و حرکت می‌کند و حرکت مغرب و مشرق آن را در نظر می‌گیریم؛ آغاز حرکت خورشید را وقت نماز صبح و پایان آن را وقت نماز مغرب می‌شماریم؛ زیرا خورشید غروب نمی‌کند ولی پیوسته از یک نقطه به نقطه دیگر در حرکت است؛ لذا نقطه آغاز آن را طلوع شمس می‌شماریم و نقطه پایان آن را وقت غروب می‌دانیم و بینهما را وقت نماز ظهر و عصر تلقی می‌کنیم.

یک محاسبه این است که وقتی خورشید باید حرکت کند، در آغاز حرکتش که وقت نماز صبح محسوب می‌شود، قاعدتاً می‌توان فرض کرد تا زمانی که به نقطه اوج خود نرسیده، همچنان وقت نماز صبح ادامه دارد؛ اما وقتی به نقطه اوج رسید، وقت نماز ظهر و عصر فرا می‌رسد و تا نقطه پایانی حرکت آن ادامه می‌یابد و نقطه پایانی آن، وقت نمازهای مغرب و عشا محسوب می‌شود. این تقسیم‌بندی ماست و در افطار نیز همین وضعیت را در نظر می‌گیریم.

پرسشگر: آغاز روز چگونه محاسبه می‌شود؟

استاد: آغاز روز را آغاز حرکت خورشید حساب می‌کنیم.

پرسشگر: ...

استاد: در آنجا هم روز هست و هم شب؛ منتها در زمستان، روز یک ساعت به طول می انجامد و در تابستان ها شب یک ساعت است. در این مناطقی که شب و روز دارند مشکلی حس نمی شود.

بررسی روایات باب

❖ روایت نخست (مرحوم صدوق): «یاسناده عن قاسم بن حمید عن أبی بصیر لیث المرادی، قال:

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام فَقُلْتُ: مَتَى يَحْرُمُ الطَّعَامُ عَلَى الصَّائِمِ وَتَحِلُّ الصَّلَاةُ صَلَاةُ الْفَجْرِ؟ فَقَالَ: إِذَا اغْتَرَضَ الْفَجْرُ فَكَانَ كَالْقُبْطِيَّةِ الْبَيْضَاءِ فَتَمَّ يَحْرُمُ الطَّعَامُ عَلَى الصَّائِمِ وَتَحِلُّ الصَّلَاةُ صَلَاةُ الْفَجْرِ»؛

«قبطیه» پارچه ای بسیار سفید بوده که از مصر می آوردند. حضرت می فرمایند اگر فجرى که در افق گسترده می شود طلوع کند، وقت روزه [و نماز صبح] می رسد.

سائل می پرسد:

«قُلْتُ: أَفَلَسْنَا فِي وَقْتٍ إِلَى أَنْ يَطْلُعَ شُعَاعُ الشَّمْسِ؟ قَالَ: هِيَ هَاتِئِنْ يَذْهَبُ بِكَ تِلْكَ صَلَاةُ الصَّبِيَّانِ»؛

حضرت می فرمایند اگر شعاع شمس طلوع کند، صلات صبیان است. نماز کسی که مختار است، باید قبل از شعاع شمس خوانده شود.

❖ روایت دوم (مرحوم صدوق): «یاسناده عن علي بن عطية، عن أبي عبد الله عليه السلام؟ ع؟ أنه قال:

«الصُّبْحُ هُوَ الَّذِي إِذَا رَأَيْتَهُ كَانَ مُعْتَرِضًا»؛

فجر، آن نور و سپیده ای است که در افق گسترده می شود؛ نه آنکه مانند عمود بالا می رود.

«كَأَنَّهُ بَيَاضُ نَهَرٍ سُورَاءٍ»^۲.

ما در توضیح «نهر سوراء» نوشته ایم: «نهر سوراء فرع من الفرات»؛ یکی از شاخه های نهر فرات در عراق است «یبیدو من بعيد في الليل كأنه يتلألأ بياضاً»؛ این نهر به شکلی است که در شب وقتی از دور دیده می شود، درخشندگی خاصی دارد. مرحوم مجلسی کبیر (مجلسی اول) در شرح این روایت فرموده:

«إِنَّ الْمَعْرِفَةَ الْكَامِلَةَ بِالْمَرَادِ مِنْ هَذِهِ الرِّوَايَةِ لَا تَحْصُلُ إِلَّا لِمَنْ يَشَاهِدُ مَنْظَرَ هَذَا النَّهْرِ فِي سَوَادِ اللَّيْلِ»؛

کسی که می خواهد معنای روایت را به خوبی بفهمد، باید در تاریکی شب از دور این نهر را ببیند. از عبارت ایشان برمی آید که گویا خودشان آن را تجربه کرده اند.

«فَإِنَّهُ يَبْدُو لِلْإِنْسَانِ وَكَأَنَّهُ خَطٌّ مُسْتَطِيلٌ فِي الْأَفْقِ شَدِيدُ الْبَيَاضِ أَشْبَهُ شَيْءٍ بِالْفَجْرِ الصَّادِقِ»؛

۱. وسائل الشیعة؛ کتاب الصلاة، ابواب المواقیات، ب ۲۷، ح ۱.

۲. همان؛ ح ۲.

وقتی کسی در نیمه شب تاریک از دور به آن نهر بنگرد، گویا خطی سفید می بیند که در افق پیدا می شود و شبیه همان فجر صادق است؛ لذا حضرت فرمودند: «كَأَنَّهُ بَيَاضُ نَهَرٍ سُرَّاءٍ».

❖ روایت سوم (مرحوم کلینی): یاسناده عن علي بن محمد، عن سهل بن زياد، عن علي بن مهزيار قال:

«كَتَبَ أَبُو الْحَسَنِ بْنُ الْحُصَيْنِ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عليه السلام مَعِيَ:

علی بن مهزیار می گوید ابوالحسن نامه ای به امام جواد عليه السلام نوشت و آن را به دست من داد. در آن نامه نوشته بود:

«جُعِلَتْ فِدَاكَ قَدْ اخْتَلَفَتْ مُوَالُوكَ فِي صَلَاةِ الْفَجْرِ فَمِنْهُمْ مَنْ يُصَلِّي إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ الْأَوَّلُ الْمُسْتَطِيلُ فِي السَّمَاءِ»:

معلوم است که در زمان امام جواد عليه السلام نیز برخی از شیعیان بر اساس فجر کاذب و با پدیدار شدن سپیده عمودی نماز می گزارده اند.

«وَمِنْهُمْ مَنْ يُصَلِّي إِذَا اعْتَرَضَ فِي أَسْفَلِ الْأُفُقِ»:

برخی نیز نماز خود را در هنگام طلوع فجر صادق (فجری که سپیده در آن گسترده می شود) می خوانند.

«وَاسْتَبَانَ وَلَسْتُ أَعْرِفُ أَفْضَلَ الْوَقْتَيْنِ فَأُصَلِّي فِيهِ فَإِنْ رَأَيْتَ أَنْ تُعَلِّمَنِي أَفْضَلَ الْوَقْتَيْنِ وَتَحْدَهُ لِي وَكَيْفَ أَصْنَعُ مَعَ الْقَمَرِ وَالْفَجْرِ لَا يَتَّبِعُنِ مَعَهُ حَتَّى يَحْمَرَّ وَيُصْبِحَ»:

اینجا هم از مسأله وقت نماز فجر می پرسد و هم از اینکه اگر شب مهتابی بود تکلیف چیست؟ وقتی که شب مهتابی است، تا آسمان روشن نگردد انسان متوجه طلوع فجر صادق نمی شود.

«وَكَيفَ أَصْنَعُ مَعَ الْغَيْمِ؟»:

اگر هوا ابری باشد چه کار کنیم؟

«وَمَا حَدَّثَكَ فِي السَّفَرِ وَالْحَضَرِ فَعَلْتُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ؟»:

شما بفرمایید تا ما به وظیفه خویش عمل کنیم.

«فَكَتَبَ عليه السلام بِحَظِّهِ وَقَرَأَتْهُ: الْفَجْرُ بِرَحْمَتِكَ اللَّهُ هُوَ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ الْمُعْتَرِضُ لَيْسَ هُوَ الْأَبْيَضُ صُعْدَاءَ»:

فجر، خط سفیدی نیست که به صورت عمودی بالا می رود.

«فَلَا تُصَلِّ فِي سَفَرٍ وَلَا حَضَرٍ حَتَّى تَتَبَيَّنَهُ»:

تا وقتی که آن فجر سپیده ای که معترض است (سپیده افقی) را می بینی نماز بخوان و این شامل سفر و حضر می شود.

«فَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَمْ يَجْعَلْ خَلْقَهُ فِي شُبْهَةِ مَنْ هَذَا»:

خدا مطلب را بیان کرده و فرموده است:

«فَقَالَ: ﴿كُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ﴾، فَالْخَيْطُ الْأَبْيَضُ هُوَ الْمُعْتَرِضُ الَّذِي

يَحْرُمُ بِهِ الْأَكْلُ وَالشَّرْبُ فِي الصَّوْمِ»:

قرآن از «خیط ابیض» می گوید و روشن است که به آن سپیده گسترده در آسمان نظر دارد که مانند خط بالا می رود.

«وَكَذَلِكَ هُوَ الَّذِي تُوَجَّبُ بِهِ الصَّلَاةُ»؛

که همان سپیده گسترده در آسمان است.

در سندی که خواندیم، «سهل بن زیاد» حضور دارد و البته ما او را تصحیح کرده ایم؛ ولی برخی در او تشکیک می کنند. شیخ سندی دیگر به این روایت دارد که سهل در آن نیست.

دلالت روایت و بحث موانع دید

وقتی که هم در روایت و هم در آیه «خیط ابیض» را ملاک می داند، روشن می شود که همان، ملاک است؛ اما اگر مانعی بود، وقت را عوض نمی کند؛ چه این مانع طلوع قمر باشد چه غیم (ابر). بر این اساس، ما هم معتقد نیستیم لازم است در لیالی مقرر کسی منتظر بماند؛ ولی اگر کسی خواست احتیاط کند، احتیاط استحبابی مشکلی ندارد؛ اما از این روایت و حتی آیه چنین استفاده نمی شود؛ چون «یتبین» یعنی تبیین در شرایطی که مانعی نیست؛ وگرنه اگر مانعی در کار باشد تکلیف روشن است: «حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ» ناظر به شرایط عادی است که مانعی وجود ندارد و این بدان معناست که اگر مانعی پیش آمد، وقت را عوض نمی کند و مانع از دیدن شماسست نه مانع از حلول وقت.

پرسشگر: در مناطق کوهستانی چطور تبیین می شود؟

استاد: معنایش این است که در اینجا فجر ظاهر شده اما شما آن را نمی بینید؛ درست مانند آنکه کسی در پشت کوه باشد. کسانی که در پشت کوه زندگی می کنند باید تا پیدا شدن خورشید صبر نمایند. گاهی در مناطق کوهستانی و دره ها، هم غروب خورشید بسیار زود تحقق می یابد و هم طلوع فجر بسیار دیر. ملاک، زمین متعارف پشت کوه است نه خود کوه. پرسشگر: در زمان معصومین که ساعت نبوده است.

استاد: اولاً ساعت بوده است؛ چون به هر حال شبانه روز را با ۲۴ ساعت محاسبه می کردند. البته اینکه ساعت های فعلی نبوده حرف دیگری است؛ اما از روایات استفاده می کنیم که در آن زمان هم نوعی ساعت وجود داشته و شبانه روز ۲۴ ساعت حساب می شده است.

پرسشگر: به صورت دقیق می توانسته اند زمان را محاسبه کنند؟

استاد: اجمالاً می داند که مثلاً در منطقه ما بین طلوع فجر تا طلوع شمس همیشه یک ساعت و نیم (با چند دقیقه کمتر یا بیشتر) فاصله است؛ لذا احتیاط می کند و بعد از احراز طلوع فجر یا قبل از احراز طلوع شمس نماز می خواند. ما در اینجا نوشته ایم: «بهذه الرواية وأمثالها يثبت من دون التردد كون طلوع الفجر الصادق مبدء لوقت صلاة الفجر». این در خصوص مبدء وقت صلاة الفجر است، اما پايانش کی است؟ روایات مربوط به این بحث را بعد از ماه رمضان می خوانیم.

توصیه‌های اخلاقی و اعمال ماه مبارک رمضان

امیدواریم خدای متعال به همه ما توفیق دهد تا در ماه مبارک رمضان از مهمانان مورد پسند او باشیم و توفیق حضور در ضیافت الهی را برای چندمین مرتبه در این ماه عظیم و پر نور نصیبمان کند. در این ایام و لیالی پُر برکت، خداوند توفیق عبادت، روزه مقبول، نماز پذیرفته و دعا‌های مستجاب را به بندگانش عنایت فرماید.

باید به دعا‌های ماه رمضان توجه داشت و در خواندن آنها اهتمام ورزید. از برکات ماه رمضان آن است که اگر کسی بتواند نمازهای مخصوص این ماه را - به ویژه نمازهای شب‌های آن را - بخواند، از فیضی بزرگ بهره‌مند می‌شود. بسیاری از علمای بزرگ ما در این زمینه ملتزم بوده‌اند و هزار رکعت نماز ماه رمضان را به عنوان برنامه‌ای ثابت برای خود قرار می‌دادند.

صورت این نماز چنین است:

در بیست شب نخست ماه رمضان: هر شب بیست رکعت نماز خوانده می‌شود و اگر کسی بتواند به ترتیبی که گفته می‌شود به جا آورد بهتر است: هشت رکعت بین نمازهای مغرب و عشا (که می‌توان آنها را با ۴ رکعت نافله مغرب هم ادغام کرد)؛ ۱۲ رکعت پس از نماز عشا (مجموعاً ۴۰۰ رکعت).

ده شب پایانی: هر شب ۳۰ رکعت نماز بخواند: ۸ رکعت بین نماز مغرب و عشا؛ و ۲۲ رکعت بعد از نماز عشا (مجموعاً ۳۰۰ رکعت).

در شب‌های قدر نیز هر شب ۱۰۰ رکعت بر این تعداد افزوده می‌شود؛ یعنی در شب نوزدهم ۱۲۰ رکعت و در شب‌های بیست و یکم و بیست و سوم نیز ۱۳۰ رکعت تا هزار رکعت کامل گردد.

این نمازها از برترین و پربرکت‌ترین اعمال ماه رمضان است و سزاوار است انسان خود را بر انجام آن مقید سازد؛ زیرا زمان را بیهوده از دست می‌دهیم و اگر برنامه‌ریزی دقیقی برای ساعات خود داشته باشیم، خواهیم دید که بهره‌برداری از عمر به مراتب بیشتر خواهد بود.

طلب علم نیز در ماه رمضان تعطیل نمی‌شود؛ درس ممکن است موقتاً تعطیل گردد؛ اما تعلّم هرگز. انسان باید در این ماه برای فعالیت علمی خود برنامه‌ای خاص تعیین کند تا ارتباطش با علم و اندیشه قطع نشود. اگر کسی در این ماه عقب‌ماندگی‌های درسی خود را با مطالعه جبران کند یا برای خود هدفی علمی تعریف نماید - مثلاً تصمیم بگیرد بحثی را در طول ماه به پایان رساند - به رشد علمی قابل توجهی دست خواهد یافت.

برای مثال می‌تواند هر شب یا هر روز ساعتی را به مطالعه و بررسی یک مسأله یا فرع اختصاص دهد؛ خواه در حوزه عبادات باشد یا معاملات. مسأله‌ای را انتخاب کند، سپس فتاوی فقها را در آن باب بررسی نماید، روایات مربوطه را بخواند و ببیند نظر فقها تا چه اندازه با روایات تطبیق دارد. با همین تمرین، قدرت تحلیل، تجزیه و استدلال در او تقویت می‌شود؛ چون قدرت استدلال تدریجی و بر اثر ممارست حاصل می‌گردد و یکی از بهترین راه‌ها آن است که نتایج مطالعه و تحقیق خود را با استاد یا دوستان هم‌مباحثه فاضل خود در میان بگذارد تا از دقت و پختگی کار مطمئن شود.

مطالعه روایات باید بخش ثابت برنامه هر طلبه باشد؛ هم در زمینه‌های اعتقادی، هم اخلاقی و هم فقهی. اگر کسی بتواند در طول زمان تا حد امکان به مرور مجموعه‌هایی چون «وسائل الشیعه»، «بحار الأنوار» و «کافی» اهتمام ورزد و چنانچه

ممکن نبود به صورت موضوعی به آن مراجعه کند، درک عمیقی از منابع دینی به دست می آورد. توصیه می شود به تناسب ایام مذهبی نیز به این منابع مراجعه شود؛ مثلاً در شب وفات امام صادق علیه السلام روایات مربوط به زندگی آن حضرت را در «بحار الأنوار» مطالعه، یا در ایام وفات سایر ائمه علیهم السلام به شرح زندگانی آنان مراجعه کند.

کتاب «بحار الأنوار» گنجینه ای عظیم و ارزشمند به شمار می رود و آشنایی ما با تاریخ انبیاء، تاریخ رسول اکرم صلی الله علیه و آله، تاریخ حضرت صدیقه کبری علیها السلام و سایر ائمه علیهم السلام اهمیت بسیاری دارد و بهترین و جامع ترین منبع برای این امر «بحار الأنوار» است؛ هرچند که «عوالم بحرانی» نیز در این زمینه بسیار مطلوب و مفید است؛ ولی «بحار الأنوار» بیشتر در دسترس است.

در پایان از خداوند متعال مسئلت می کنیم که همه ما را موفق و مؤید گرداند و این ماه رمضان را برایمان ماهی پُربرکت و آغاز تحولی درونی قرار دهد. همچنین آرزو می کنیم که عید ماه رمضان برای همه مسلمانان جهان، به ویژه مؤمنان و مبارزان در فلسطین، لبنان، عراق، یمن، بحرین و ایران، عید فرج و پیروزی باشد. ان شاء الله خداوند یاریگر آنان در برابر دشمنان باشد و این عید، عید نصرت و غلبه حق بر باطل گردد.

و صلی الله علی محمد و آل محمد

